

تألیف بحار الانوار؛ جمع‌آوری احادیث و یاگزینش آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۸

ابوطالب مختاری هاشم آباد^۱
 محسن قاسم پور^۲
 پرویز رستگار جزئی^۳

چکیده

میان دانشوران معاصر شیعه سه دیدگاه درباره رویکرد علامه محمد باقر مجلسی در تألیف بحار الانوار وجود دارد. بیشتر آنان بر آن اند که هدف وی فقط جمع‌آوری احادیث بوده است. عده‌ای نقش گزینشی وی در انتخاب مصادر و احادیث بحار الانوار را به قصد کارآمد شدن پذیرفته‌اند. گروه دیگری افزون بر تأیید گزینشی بودن روایات بحار الانوار، بر این باورند که وی روایاتی را که خود صحیح می‌دانسته در بحار الانوار آورده، مگر در موارد اندکی که خود به عدم اعتبار حدیث اشاره کرده است.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی دیدگاه‌های یاد شده و خاستگاه شکل‌گیری آن‌ها می‌پردازد تا نشان دهد بر اساس عبارات علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار و شرح‌های ایشان بر احادیث، و مبانی اعتبارسنجی روایات نزد وی، دیدگاه سوم صحیح‌تر می‌نماید؛ گرچه نباید از دیده دور داشت که پاسداری از میراث مکتوب حدیثی شیعه در این گردآوری گسترده، مهم‌ترین انگیزه و دستاورد تألیف آن به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: بحار الانوار، علامه مجلسی، انگیزه تألیف، گزینش مصادر، اعتبار احادیث، اخبارگرایی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس (نویسنده مسئول) (tahamokhtary@gmail.com).

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (ghasempour@kashanu.ac.ir).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (p.rastegar@kashanu.ac.ir).

۱. مقدمه

جایگاه محوری حدیث در آموزه‌های دینی مسلمانان و وقوع پدیده جعل و وضع حدیث از صدر اسلام، همواره در طول تاریخ اسلامی، گفتمان اعتبارسنجی احادیث و بررسی صحت و سقم آن‌ها را در میان دانشوران رواج داده است.

باتوجه به شرایط گوناگون صدور احادیث از جهت تنوع راویان و مخاطبان و شرایط زمانی و مکانی گوناگون و با توجه به وجود فشارها و دشمنی‌ها ضد امامان علیهم‌السلام و شیعیان، نمی‌توان تمام احادیث منتقل شده از عصر اهل بیت علیهم‌السلام را یکنواخت و در یک درجه از صحت دانست، بلکه می‌توان احادیث را دارای مراتبی از قوت و ضعف و یا صحت و سقم فرض نمود؛ چنان که علامه مجلسی نیز به وجود نظام رتبه‌بندی و نسبی بودن ضعف حدیث اشاره کرده است.^۴ چون فراین و شواهد نشان‌گر صحت حدیث نزد دانشوران شیعه در دوران‌های گوناگون تاریخ حدیث شیعه، یکسان نبوده است، تعریف حدیث صحیح و حدیث ضعیف نیز همواره یکسان نبوده است.

از سوی دیگر، وجود روایات ضعیف در هر جامع حدیثی با شدت و ضعف محتمل دانسته می‌شود. علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) بزرگ‌ترین جامع حدیثی شیعه را پس از سال ۱۰۷۰ق با محوریت احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و در موضوعات گوناگون در ۲۵ مجلد نگاشته و آن را «بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار» نامیده است.^۵ بر این اساس احتمال وجود روایات ضعیف در این دایرة المعارف حدیثی - که ده‌ها هزار حدیث از بیش از چهارصد منبع حدیثی در آن گردآمده - به مراتب بیشتر انگاشته می‌شود، ولی برخی دانشوران با افراط در این موضوع، حدود نود و پنج درصد روایات بحار الانوار را ضعیف و غیرقابل اعتماد می‌دانند^۶ و برخی با تفریط در آن، حضور روایات ضعیف را در آن منتفی می‌دانند.^۷

۴. برای نمونه وی در مقدمه *مرآة العقول* می‌گوید: معتبر بودن تمام روایات کافی، با قوی‌تر بودن برخی روایات آن از برخی دیگر، منافاتی ندارد (*مرآة العقول*، ج ۱، ص ۲۲). همچنین تعابیری مانند «اقوی سنداً»، «اصح سنداً» و «اوضح دلالة» در آثار وی مؤیدی دیگر بر این معناست (برای نمونه رک: بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۱۴؛ ج ۱۰، ص ۱۱۶؛ ج ۱۱، ص ۴۲ و ۲۷۹؛ ج ۵۶، ص ۱۰۱؛ ج ۸۶، ص ۳۸۵؛ *مرآة العقول*، ج ۱۴، ص ۷۶، ۱۰۷ و ۱۱۶؛ ج ۱۵، ص ۲۷۴؛ *ملاذ الأخیار*، ج ۳، ص ۱۲۶؛ ج ۴، ص ۷۳۰؛ ج ۵، ص ۴۶۰).

بحار الانوار، ج ۱، ص ۵-۶؛ رک: علامه مجلسی، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ آشنایی با بحار الانوار، ص ۲۱۳.

۶. منظور مؤلفان مشرعة بحار الانوار والمعتبر من بحار الانوار هستند.

۷. مثلاً ملا ذوالفقار در نامه‌اش به استادش علامه مجلسی می‌نویسد: «از ویژگی‌های کتاب بحار الانوار این است که شهرت و اعتبار آن فزونی می‌یابد و منزلت و بزرگی آن زمانی که حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور کند، آشکار می‌شود. بعد از این که آن حضرت در آن نظر می‌کند و به صحت آن از اول تا آخر حکم می‌کند (بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۷۹).

مسأله اصلی این است که از دیرباز، میان اندیشمندان شیعه در مورد اعتبار و صحت و ضعف احادیث بحار الانوار هم از دیدگاه مؤلف آن، علامه مجلسی، و هم از دیدگاه سایر دانشوران بحث و اختلاف نظر بوده است. این بحث و اختلاف به طور کلی به سه نگاه معطوف است:

گروه اول، علامه مجلسی را فقط جمع‌آوری کننده روایات می‌دانند و به نقش‌گزینشی وی در تألیف بحار الانوار اشاره‌ای ندارند؛ گروه دوم، براین باورند علامه مجلسی در تألیف بحار الانوار گزینشی عمل کرده، ولی به صحت تمام احادیث جامع خویش قایل نیست؛ و بالاخره گروه سوم، پا را فراتر نهاده و معتقدند علامه مجلسی به طور کلی روایات جامع خویش را معتبر دانسته است (جز در موارد اندک که خود اشاره نموده است).

پژوهش حاضر بر آن است که ابتدا دیدگاه سه گروه یاد شده و برخی از هواداران آن‌ها را به ترتیب تاریخی بیان کند و سپس به بررسی خاستگاه نظر مشهور و واکاوی و تحلیل دیدگاه‌های موجود بپردازد.

۲. دیدگاه‌ها درباره بحار الانوار

با بررسی اقوال دانشوران شیعه در مورد چگونگی و انگیزه تألیف بحار الانوار می‌توان سه دیدگاه ذیل را در این موضوع ارائه داد

۲-۱. دیدگاه اول (دیدگاه مشهور)

بیشتر دانشوران معاصرو یا قریب به عصر حاضر، در بحث هدف از تألیف بحار الانوار توسط علامه مجلسی، بیشتر بر جمع‌آوری کتب حدیثی و مرتب نمودن احادیث تأکید کرده‌اند و به گزینش مصادر و روایات از سوی مؤلف، اشاره نکرده‌اند. برخی از این دانشوران عبارت‌اند از:

علی بن موسی شفیع تبریزی (م ۱۲۹۰ ش)،^۸ سید محمد حجت کوه‌کمری (م ۱۳۳۱ ش)،^۹ سید احمد زنجانی (م ۱۳۵۲ ش)،^{۱۰} ابوالحسن شعرانی (م ۱۳۵۲ ش)،^{۱۱} مرتضی مطهری

۸. مرآة الکتب، ج ۴، ص ۱۵۵.

۹. مقدمه مهملی موعود، ص ۸۳-۸۴.

۱۰. الکلام بجزر الکلام، ج ۱، ص ۳۲-۳۴. وی می‌گوید: مجلسی در تألیف این کتاب جز تأسیس یک کتابخانه کاری نکرده است.

۱۱. مقدمه بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱. وی احتمال می‌دهد علامه به دلیل تنگی وقت و نداشتن فرصت و یا عدم تحمیل

(م ۱۳۵۸ ش)،^{۱۲} امام خمینی (م ۱۳۶۸ ش)،^{۱۳} کاظم مدیرشانه چی (م ۱۳۸۱ ش)،^{۱۴} سید جعفر شهیدی (م ۱۳۸۶ ش)،^{۱۵} ناصر مکارم شیرازی^{۱۶} و برخی از پژوهش‌گران دیگر در عصر ما.
۱۷

این دیدگاه به مرور پس از چاپ سنگی بحار الانوار و انتشار تمام مجلدات آن توسط محمد حسن کمپانی و فرزندش حسین در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۵ ق^{۱۸} (حدود ۱۲۶۵-۱۲۷۶ ش) در حوزه‌های علمیه و عالمان شیعه و به تبع آن عموم مردم مشهور شد و تا حدودی به حدیث‌گزینی در اجتماع کمک کرد. دیدگاه یادشده با این‌که در سال‌های اخیر مورد بازنگری و نقد عده‌ای از پژوهش‌گران واقع شده، ولی همچنان نظر غالب است.

۲-۲. دیدگاه دوم

برخی از دانشوران شیعی، به ویژه در سال‌های اخیر بر خلاف گروه قبل، بر نقش‌گزینی علامه مجلسی در انتخاب مصادر و روایات بحار الانوار تأکید کرده‌اند. برخی از هواداران این دیدگاه بر آن هستند که علامه مجلسی با این‌که اخبار و مصادر آن‌ها را به قصد کارآمدی گزینش می‌کرده است، تمام آنچه در بحار می‌آورده، معتبر نمی‌دانسته است. به عبارت دیگر، برخی نویسندگان معاصر با توجه به مرور دیدگاه‌های عالمان گذشته و ارزیابی دیدگاه مثبت‌نگر به اعتبار کلی روایات بحار الانوار، نظریه میانه‌ای ارائه داده‌اند؛ یعنی

نظر خود بر آیدنگان فقط به آوردن احادیث صحیح نپرداخته است.

۱۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۴۷۳. ایشان در مورد بحار الانوار می‌نویسد: این کتاب جامع‌ترین کتب حدیث است. آنچه در سایر کتب حدیث به طور متفرق موجود بوده، در این کتاب یک جا جمع آمده است. هدف مؤلف بیشتر جلوگیری از تلف شدن کتب حدیث بوده است. لهنذا صحیح و سقیم یک جا ذکر شده است.
۱۳. کشف اسرار، ص ۳۱۹-۳۲۰. امام نیز بحار الانوار را در حقیقت یک کتابخانه کوچک دانسته است که با یک اسم نام برده می‌شود.

۱۴. تاریخ حدیث، ص ۲۱۰؛ علم الحدیث، ص ۱۱۳.

۱۵. یادنامه مجلسی، ج ۲، ص ۷۸-۷۹.

۱۶. منتخب الآثار من بحار الانوار، ج ۱، ص ۶.

۱۷. از جمله می‌توان به علی رجبی دوانی (شناخت نامه علامه مجلسی، «شرح حال علامه مجلسی»، ج ۱، ص ۴۸-۵۰؛ مهدی موعود، ص ۸۷-۹۰)، عبدالوهاب فرید (مدخل «بحار الانوار»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۲۶۸) علی اصغر عطائی خراسانی (کارنامه علامه مجلسی، ص ۴۴-۴۵)، سید رضا مؤدب (تاریخ حدیث، ص ۱۴۰)، جعفر مهاجر (یادنامه مجلسی، «لماذا الف المجلسی بحار الانوار»، ج ۳، ص ۱۵۷-۱۵۸)، داوود معماری (مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، ص ۷۱)، رضا مختاری (شناخت نامه علامه مجلسی، «تصحیح و نشر مأخذ بحار الانوار»، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۳۵) و هادی حجت (جوامع حدیثی شیعه، ص ۱۹۵-۱۹۷) اشاره کرد.

۱۸. آشنایی با بحار الانوار، ص ۲۷۷.

بر اساس آثار علامه مجلسی، رفتارگزینشی وی را در مواجهه با روایات و منابع بحار الانوار پذیرفته‌اند، ولی وی را قایل به اعتبار تمام روایات بحار الانوار نمی‌دانند، بلکه وی را معتقد به صحت مواردی از آن می‌دانند.

از مهم‌ترین دلایل این دانشوران، می‌توان به تنوع مطالب بحار الانوار، دائرة المعارفی بودن آن، شرح‌های علامه ذیل احادیث، حکم وی به بطلان برخی روایات بحار الانوار و یا تردید در مورد صحت آن و تلاش وی برای دستیابی به نسخه‌های صحیح‌تر و قدیمی‌تر اشاره نمود. از جمله هواداران این دیدگاه عبارت‌اند از: جعفر سبحانی،^{۱۹} رسول جعفریان^{۲۰} و حسن طارمی.^{۲۱}

۲-۳. دیدگاه سوم

برخی از دانشوران شیعه با توجه به اخبارگرایی علامه مجلسی و دلایل دیگر وی را قایل به اعتبار تمام روایات بحار الانوار جز در موارد استثنا - که خودش اعلام داشته - می‌دانند. از مهم‌ترین دلایل بیان شده توسط این گروه عبارت‌اند از:

- الف) معتبر دانستن مصادر اصلی بحار الانوار توسط علامه مجلسی و بیان دلایل اعتبار آن‌ها در مقدمه بحار الانوار؛
- ب) توضیحات علامه مجلسی ذیل برخی احادیث که نشان‌گر رفتارگزینشی وی در انتخاب مصادر و روایات است؛
- ج) تلاش برای رفع تعارض احادیث و ارائه معنای صحیح و معقولی، به ویژه در مورد احادیث غریب؛

۱۹. یادنامه علامه مجلسی، «ترجمة العلامة المجلسی»، ج ۳، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ گفت و گو با آیت الله جعفر سبحانی، ج ۳، ص ۲۲۰.

۲۰. مجله مشکوة، شماره ۸۰، «بحار الانوار از زاویه نگاه دایرة المعارفی»، ص ۴۲. این پژوهش‌گر پس از ذکر نمونه‌هایی از بحار الانوار که علامه مجلسی بی‌اعتمادی خود به برخی روایات را اذعان نموده، می‌نویسد: «البته می‌توان تصور کرد که مردی چون علامه مجلسی که شیفته اخبار و احادیث بوده، بخش عمده این روایات را صحیح می‌دانسته و حتی شاگرد وی ملاذوالفقار درباره کتاب چنان اظهار نظر کرده است که هرگاه قائم آل محمد علیه السلام ظهور کند، با نگاه و تأملی که در این کتاب خواهد کرد، شهرت و اعتبار این کتاب افزون خواهد شد» (همان، ص ۴۴).

۲۱. مدخل «بحار الانوار»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲، ص ۲۶۸. وی پس از بیان دیدگاه مشهور از قول سید احمد زنجانی و امام خمینی و عبدالوهاب فرید می‌نویسد: «با این همه باید گفت این نظر که با رأی بیشتر عالمان امامیه هماهنگ است، برای کسی که بحار را می‌شناسد، معرف تمام غرض مجلسی از تألیف بحار نیست». حسن طارمی در اثر دیگر خویش نیز به جنبه گزینشی تألیف بحار الانوار و انگیزه جمع‌آوری آثار به قصد کارآمدی اشاره کرده است (علامه مجلسی، ص ۱۷۰).

د) مشاهده بسیاری از احادیث بحار الانوار در کتب فارسی علامه مجلسی.
 برخی از هواداران این دیدگاه عبارت‌اند از: کیوان سمیعی،^{۲۲} احمد عابدی،^{۲۳}
 عبدالهادی فقهی زاده^{۲۴} و سید علی محمد رفیعی.^{۲۵}

۳. بررسی دیدگاه‌ها

پس از بیان سه دیدگاه یاد شده، ابتدا دلایل پیدایی دیدگاه مشهور یعنی گزینشی نبودن
 مصادر و روایات بحار الانوار و سپس دیدگاه گزینشی بودن روایات مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۳-۱. بررسی دیدگاه مشهور

به نظر می‌رسد سه عامل در پیدایش و ترویج دیدگاه مشهور-گزینشی نبودن روایات بحار
 الانوار- مؤثر بوده است:

نخستین و مهم‌ترین دلیل همان تأکید علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار بر ضرورت
 جمع‌آوری و حفظ میراث مکتوب حدیثی شیعه است.^{۲۶}

دلیل دوم، این است که چون از دیدگاه عده‌ای از اندیشمندان شیعی، مضامین برخی
 روایات بحار الانوار با آیات و احادیث محکم و صحیح و یا با امور عقلی یا علمی ناسازگار
 است،^{۲۷} برای دفاع از مقام علمی علامه مجلسی چنین دیدگاهی را مطرح نموده‌اند تا وجود

۲۲. اوراق پراکنده یا فوائد و فوائد گوناگون، ص ۲۶۰-۲۶۲.

۲۳. آشنایی با بحار الانوار، ص ۱۲۵-۱۳۱. وی ضمن ارائه دلایل خویش ۲۴ نمونه از عبارات توضیحی علامه مجلسی در
 بحار الانوار را - که نشان‌گر رفتار گزینشی او در تألیف بحار الانوار است - آورده است.

۲۴. علامه مجلسی و فهم حدیث، ص ۲۸۷-۲۸۹.

۲۵. ملامحمد باقر مجلسی زندگی، زمانه، نگاه‌ها، نقدها، ص ۱۰۵-۱۰۸. برخی از اندیشمندان را - که به نقش گزینشی
 احادیث توسط علامه مجلسی اشاره کرده‌اند، ولی به بحث اعتبار روایات نپرداخته‌اند - می‌توان در این گروه قرار داد. از
 آن جمله می‌توان بهاء الدین خرمشاهی را نام برد (سیربی سلوک، ص ۳۰۷).

۲۶. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳-۴.

۲۷. پاره‌ای از منابع و احادیث معتبر از دیدگاه علامه مجلسی از دیدگاه برخی دانشوران معاصر، کم‌اعتبار و یا بی‌اعتبار
 شمرده شده است. این پژوهش‌گران غالباً مبانی اعتبارسنجی خویش را در ارزیابی روایات مشخص نموده‌اند و
 انتقادات آنان حاصل اجتهادات آنان است؛ برای نمونه تعدادی از این منتقدان عبارت‌اند از: سید مرتضی عسکری
 (رک: نقش ائمه در احیای دین، ج ۱، ص ۵۸۶-۵۸۸)؛ سید عبدالاعلی موسوی سبزواری (رک: التعلیق علی کتاب
 بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۷ و ۳۴۲-۳۴۳)؛ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (رک: حدیث‌های
 خیالی در تفسیر مجمع‌البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۹۴-۹۶ و ص ۱۰۳-۱۱۹؛ غلو (درآمدی بر افکار و عقاید
 غالیان در دین)، ص ۸۴-۱۷۳؛ محمد آصف محسنی (رک: مشرعه بحار الانوار) و حیدر حب‌الله (رک: المعتبر من
 بحار الانوار).

روایات ضعیف در بحار الانوار به جایگاه علمی علامه مجلسی خدشه ای وارد نسازد. به عبارت دیگر، این دیدگاه پاسخی است به اشکالی که بر بحار الانوار مبنی بر اشتغال بحار الانوار بر روایات خوب و بد و قوی و ضعیف و نیازمندی آن به تهذیب و ترتیب از سوی عدّه ای مثل سید محسن امین وارد شده است.^{۲۸}

برای نمونه یکی از هواداران این دیدگاه پس از تأکید بر حفظ میراث توسط علامه می نویسد:

در این کتاب اخباری پیدا می شود که ظاهر الضعف هستند یا از کتب و جزواتی نقل شده اند که شأن شخصی، مثل مجلسی رحمته الله اجل از این است که از آن ها نقل نماید، فضلاً از این که اعتماد هم بفرماید؛ خاصه در قسمت فضائل و مناقب ائمه علیهم السلام.^{۲۹}

دلیل سوم، این است که پس از نشر نسخه های چاپ شده بحار الانوار برخی نویسندگان مثل محمد حسن شریعت سنگلجی در سال ۱۳۱۴ ش، و پس از او سید احمد کسروی و علی اکبر حکمی زاده و بعدتر علی شریعتی به بحار الانوار و مؤلف آن به دلایلی از جمله ناسازگار یافتن برخی روایاتش با عقل خرده گرفتند؛^{۳۰} برای مثال حکمی زاده پس از اشکال بر برخی احادیث مشهور، دلایل شش گانه ذیل را بر نادرستی بسیاری از احادیث، مطرح کرده است:

ناسازگاری با عقل، ناسازگاری با علم و گاهی با حس، ناسازگاری با زندگی، ناسازگاری با سایر احادیث، ساختگی بودن بسیاری از آن ها و ظنی بودن آن ها و عدم پیروی از ظنّ به دستور عقل و قرآن.^{۳۱}

یاد آوری این نکته لازم است که خاستگاه فکری برخی اندیشمندان مخالف با پاره ای از مبانی دینی و از جمله برخی احادیث از جهت تاریخی به تحولات فکری و حاکم شدن نظام تکنیک و روش های تجربی - منطقی در مغرب زمین پس از رنسانس و تأثیر پذیری تدریجی اندیشه گران ایرانی از آن شیوه برمی گردد. با گسترش تدریجی ارتباط ایران با تمدن غرب از دوره صفویه به بعد و به ویژه در دوره فتحعلی شاه قاجار و تأثیر آن تمدن بر برخی از دانشوران و

۲۸. اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۸۳.

۲۹. مقدمه مهملی موعود، ص ۸۳-۸۴. این سخن را علی دوانی از سید محمد حجت کوه کمری نقل کرده است. وی از نخستین کسانی است که پس از سید احمد زنجانی و امام خمینی چنین دیدگاهی را مطرح کرده است.

۳۰. رک: زمانه و زندگی امام خمینی، ص ۸۱-۸۳؛ تشیع علوی و تشیع صفوی، ص ۱۶۹-۱۷۵.

۳۱. اسرار هزار ساله، ص ۳۲.

نخبگان ایرانی، عده‌ای از اندیشمندان دوستدار فرهنگ و قوانین غربی و تحت تأثیر پوزیتیویسم شایع در اروپا که بیشتر از رجال سیاسی و درباری بودند مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده^{۳۲} به جریان لیبرالیسم سیاسی - اجتماعی در تحولات فرهنگی قبل و پس از مشروطه صورت بخشیدند، و برخی آزادی خواهان مثل سید جمال الدین اسدآبادی نیز خواهان نگاه جدید به دین و عصری کردن آن و تجدید نظر در نگرش سنتی مسلمانان به دین از منظر علم جدید شدند.^{۳۳}

تحولات فرهنگی گسترده یادشده سبب شد، در دوره‌های بعد، برخی از اندیشمندان دینی کشور از حوزه علمیه قم و یا نجف به ویژه در زمان رضا خان خارج شده و به تجدیدگرایی به سبک غربی رو آورند. علاوه بر آن که سیاست‌های روحانیت ستیزانه و تجدیدگرایانه رضاشاه هم با آنان همسوی بود، دو چهره اصلی این جریان شریعت سنگلجی و احمد کسروی بودند که به مبارزه با بسیاری از احادیث به بهانه عقل گرایی و علم گرایی و ارائه اصولی نو در تفکر دینی و تفسیری جدید از اسلام بر پایه مدرنیسم غربی و علوم جدید پرداختند.^{۳۴}

درواکنش به خرده‌گیری‌های این اندیشمندان تجددگرا، دانشورانی مانند سید احمد زنجانی (۱۲۷۰-۱۳۵۲ ش) - که در اوایل سال ۱۳۰۶ ش (۱۳۴۶ ق) به قم آمده بود^{۳۵} - و پس از او امام خمینی - که کتاب کشف اسرار را در سال ۱۳۲۳ ش در پاسخ به شبهات مطرح شده توسط حکمی‌زاده در کتاب اسرار هزار ساله که متأثر از افکار کسروی و شریعت سنگلجی بود، تألیف نمود^{۳۶} - و سپس سید محمد حجت کوه‌کمری در پاسخ به نامه سید عبدالرحیمة

۳۲. این گروه بسیاریند، از افراد موثر و صاحب نفوذ در این گروه علاوه بر آخوندزاده می‌توان به مانند میرزا صالح شیرازی (تحصیل کرده در انگلیس در دستگاه عباس میرزا و اولین منتشرکننده روزنامه ای به نام کاغذ اخبار)، میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار)، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، میرزا علی خان امین‌الدوله، میرزا عبدالرحیم طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی اشاره کرد.

۳۳. رک: سیرتفکر معاصر، ج ۱، ص ۳۶-۴۲، ۷۳-۷۸، ۱۰۸-۱۱۲، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۲۶-۱۴۰، ۱۴۸، ۱۶۷-۲۰۶ و ۲۱۸؛ مشروطه ایرانی، ص ۲۱۹-۲۹۰؛ نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۱۴۱-۱۶۰، ۱۹۲-۲۲۴، ۲۴۴-۲۴۸ و ۲۷۲-۳۱۷؛ بحران آگاهی و تکوین روشن فکری در ایران، ص ۱۲۸-۱۳۱، ۱۴۰-۱۴۹ و ۱۶۰-۲۳۲.

۳۴. رک: سیرتفکر معاصر، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۶۲.

۳۵. جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۶۲۶؛ ج ۳، ص ۵۳۹ و ۵۶۱.

۳۶. زمانه و زندگی امام خمینی، ص ۸۱. امام خمینی در واکنش به اشکالات حکمی زاده می‌نویسد: ... در آن کتاب‌هایی است که خود صاحب بحار آن‌ها را درست نمی‌داند و او نخواسته کتاب عملی بنویسد تا کسی اشکال کند که چرا این کتاب‌ها را فراهم کردی. پس نتوان هر خبری که در بحار است به رخ دین داران کشید که آن خلاف عقل یا حس است؛ چنان که نتوان بی جهت اخبار آن را رد کرد که موافق سلیقه ما نیست، بلکه در هر روایتی باید بررسی شود و آنگاه با میزان‌هایی که علما در اصول تعیین کردند عملی بودن یا نبودن آنرا اعلان کرد (کشف اسرار، ص ۳۱۹-۳۲۰).

بلاغی در زمان زعامت آیت الله بروجردی در حوزه علمیه قم (پس از ۱۳۲۵ ش) برای انگیزه تألیف بحار الانوار تأکید کردند که قصد علامه مجلسی جمع آوری و حفظ آثار بوده است و تشخیص صحت و سقم احادیث به عهده محقق است، و بدین سان، چنین دیدگاهی مشهور شد.

پیش از این صاحب *مرآة الکتب*، علی بن موسی شفیعی تبریزی (م ۱۲۹۰ ش) بردیدگاه مشهور تأکید کرده است، ولی دلیلی وجود ندارد که سید احمد زنجانی و سایرین، متأثر از وی این دیدگاه را مطرح کرده باشد.

با دقت در دلایل ارائه شده توسط هواداران دیدگاه مشهور روشن می شود که آن دلایل دارای اتقان لازم و تتبع علمی کافی نیست؛ اگر چه دیدگاه آنان مشهورتر و متداول تر است. مهم ترین دلیلی که طرح نموده اند، بازبودن راه برای آیندگان و آزاداندیشان در تشخیص علمی صحت و سقم حدیث و تحمیل نکردن نظرات خویش بر دیگران است. این دلیل در مورد تألیف هر جامع حدیثی متصور هست. مورد یاد شده در مورد امکان دسترسی به نسخه های بهتر و تصحیح حدیث از این جهت برای آیندگان^{۳۷} و نیز ارائه مطالب گوناگون از دانشمندان در یک موضوع و واگذاری انتخاب بهترین آن ها به خواننده در بحار الانوار شواهدی دارد،^{۳۸} ولی در مورد احادیث به طور کلی مشاهده نشده است.

بنابراین دیدگاه مشهور، اجتهاد شخصی برخی از دانشوران شیعه بوده که با نیتی خیرخواهانه برای دفاع از بحار الانوار به دلیل وجود احادیثی به ظاهر مخالف با عقل در آن، صورت گرفته است.

۲-۳. بررسی دیدگاه گزینشی بودن احادیث بحار الانوار (دیدگاه دوم و سوم)

در مواجهه با بحار الانوار دو بحث را باید از همدیگر تفکیک کرد: یکی این که علامه مجلسی چه کرد؟ و دیگری این که او چه باید می کرد؟ موضوع این پژوهش این است که علامه مجلسی بر اساس دیدگاه های علم الحدیثی خویش چه کرد؟ از قرآینی که در ذیل می آید روشن می شود که علامه مجلسی منابع و احادیث بحار الانوار را انتخاب و گزینش می کرده است و حتی قصد کلی وی بر آوردن احادیث معتبر در بحار الانوار بوده است.

۳۷. برای نمونه رک: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷؛ ج ۵۳، ص ۸۸؛ ج ۸۵، ص ۲۷۵؛ ج ۸۶، ص ۳۸۲.

۳۸. برای نمونه رک: همان، ج ۵۸، ص ۱۰۴.

۳-۲-۱. مروری بر مقدمه بحار الانوار

با نگاهی به مقدمه بحار الانوار روشن می‌شود که عامل اصلی تألیف بحار الانوار توسط علامه مجلسی، اخبارگرایی شدید وی بوده است؛ زیرا وی ابتدا اشاره دارد که بعد از فراگیری علوم گوناگون در جوانی به این می‌اندیشیده که چه چیزی باعث رشد و تعالی انسان می‌شود و در واقع به نفع آخرت اوست؟ وی در پی تعمق در این موضوع یقین کرده که تنها منشأ زلال علم، قرآن و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام است. به باور وی اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام خزینه دار دانش الهی و ترجمان وحی‌اند، و چون منزل این برگزیدگان الهی مهبط وحی توسط جبرئیل بوده فقط ایشان به علم قرآن آگاه‌اند.

بنابراین وی علوم عقلی را - که درگذشته آموخته - به نوعی باعث تضییع عمر خویش دانسته و تأکید نموده که باید بقیه عمر خود را در کسب معارف اهل بیت علیهم‌السلام سپری کند. این نگاه، وی را بر آن داشت که جستجوی اخبار امامان پاک و نیک‌آئین علیهم‌السلام با تمام دقت و توان پردازد.

علامه مجلسی با بیان مهجور شدن بخشی از اصول حدیثی شیعه در طول تاریخ، به مدیریت خویش برای تلاش گروهی در جهت جمع‌آوری و احیای کتب و احادیث رها شده و ترویج و تصحیح و مرتب نمودن آن آثار اشاره می‌کند و سپس با بیان دشواری دسترسی موضوعی به احادیث، عزم خویش را بر تألیف و تنظیم مبتکرانه، پس از طلب خیرویاری از پروردگارش، اعلام می‌کند و پس از حمد الهی می‌گوید:

به فضل پروردگارم بهتر از آن طرحی که داشتم، انجام شد.

وی سپس روش خویش را در آغاز نمودن هر باب با آیات قرآن و تفسیر آن‌ها در موارد نیاز و تقطیع روایات در برخی موارد و شرح مختصر آن‌ها در جهت حجیم نشدن کتاب اعلام می‌دارد.

او در ادامه به برخی از نوآوری‌های خود در این کتاب مثل تألیف کتاب عدل و معاد، تاریخ پیامبران و امامان علیهم‌السلام و کتاب «السماء و العالم» اشاره کرده و پس از دعوت از برادران دینی به پذیرش این سفره طعام (علمی) و بشارت به آنان برای وجود کتابی بی‌نظیر که تمام مقصدها را در بر دارد می‌نویسد:

ولا شتماله علی أنواع العلوم والحکم والأسرار وإغنائنه عن جمیع کتب الأخبار سمیته بکتاب بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار فأرجو من فضله سبحانه علی عبده الراجی رحمة و امتنانه أن یکون کتابی هذا إلی قیام قائم آل محمد - علیهم الصلاة و

السلام والتحية والإكرام - مرجعاً للأفاضل الكرام ومصدراً لكل من طلب علوم الأئمة
الأعلام و...؛^{۳۹}

و به دلیل مشتمل بودن آن بر انواع علوم و حکمت‌ها و اسرار و بی‌نیازی آن از تمام کتب اخبار آن را «دریاهای نورها و دربرگیرنده مرواریدهای اخبار امامان پاک علیهم‌السلام» نام نهادم و از فضل خدای منزّه بر بنده امیدوار به رحمت و امتنانش، امید دارم که کتابم تا قیام قائم آل محمد - بر آن‌ها درود و سلام و تحیت و کرامت باد - مرجع افراد فاضل و بزرگوار و منبع هر جوینده علوم امامان مشخص علیهم‌السلام باشد.

بنا بر عبارات یاد شده، علامه مجلسی در اثر کم‌توجهی مردم به حدیث، توفیق داشته است تا با فراهم آوردن این جامع حدیثی و آسان نمودن دسترسی موضوعی به احادیث، از یک سوا سبب توجه بیشتر عوام و خواص را در تمام موضوعات مربوط به هدایت انسان‌ها به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام فراهم سازد و از سوی دیگر میراث حدیثی مکتوب شیعه را حفظ کند.

عبارت «ولاشتماله علی أنواع العلوم والحکم والأسرار...» از علامه مجلسی نشان‌گر اخبارگرایی وی و تلاش او برای استخراج تمام علوم و حکمت‌ها از احادیث است حتی علوم طبیعی.

علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار، ۳۷۸ عنوان از منابع شیعی و ۸۵ منبع از کتب اهل تسنن را نام می‌برد؛ اگرچه از اندکی از آن‌ها اصلاً نقل نکرده و یا بسیار اندک نقل کرده است، ولی در بحار الانوار از بیش از ششصد منبع استفاده شده است.^{۴۰} خود علامه مجلسی به وجود منابع دیگر - که در هنگام استفاده نام آن‌ها را می‌آورد - اذعان نموده است.^{۴۱}

۲-۲-۳. حفظ میراث حدیثی مکتوب شیعه یکی از انگیزه‌های مهم تألیف بحار الانوار

تمام دانشوران شیعه یک هدف اصلی و مهم علامه مجلسی از تألیف بحار الانوار را حفظ میراث حدیثی مکتوب شیعه دانسته‌اند؛ چنان‌که علامه مجلسی خود در مقدمه بحار به این

۳۹. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲-۶. ترجمه عبارات با اندکی تلخیص.

۴۰. آشنایی با بحار الانوار، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ ونیز رک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۶-۴۶. محققان اسامی ۶۲۹ عدد از مصادر بحار را استخراج نموده‌اند که مجلسی در متن اصلی و توضیحات خویش از آن‌ها استفاده نموده است و می‌گویند: این احصا کامل نیست؛ چون خود علامه مجلسی با عباراتی مثل «سائر رسائله» و «له تألیفات اخری قد ترجع لیها ونورد منها» و شبیه آن نشان می‌دهد آنچه در مقدمه نام برده، اسامی تعدادی از مصادر بحار است (المعجم المفهرس لألفاظ احادیث بحار الانوار، ص ۸۷-۹۸).

۴۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۴.

مطلب اشاره کرده است؛

ثم بعد الإحاطة بالكتب المتداولة المشهورة تتبعت الأصول المعتمدة المهجورة التي تركت في الأعصار المتطاولة والأزمان المتمادية... فطفقت أسأل عنها في شرق البلاد وغربها حيناً وألح في الطلب لدى كل من أظن عنده شيئاً من ذلك... حتى اجتمع عندي بفضل ربي كثير من الأصول المعتمدة التي كان عليها معول العلماء في الأعصار الماضية وإليها رجوع الأفاضل في القرون الخالية... فبذلت غاية جهدي في ترويحها وتصحيحها وتنسيقها وتنقيحها. ولما رأيت الزمان في غاية الفساد ووجدت أكثر أهلها حائدين عما يؤدي إلى الرشاد خشيت أن ترجع عما قليل إلى ما كانت عليه من النسيان والهجران وخفت أن يتطرق إليها التشمت لعدم مساعدة الدهر الخوان...^{٤٢}

بر اساس عبارات یاد شده علامه مجلسی با اشاره به مهجور شدن بخشی از اصول حدیثی شیعه، بر اثر تسلط پادشاهان مخالف شیعه یا به دلیل رواج علوم باطل (یعنی فلسفه و غیر آن) و یا به دلیل عدم اعتنای علمای متأخر به آن‌ها، به بیان کوشش بسیار خود برای یافتن آثار حدیثی در بلاد شرق و غرب، با وجود بخل عده‌ای از صاحبان کتب و نسخه‌ها، و یاری رساندن عده‌ای از برادرانش در این امر اشاره دارد که سبب جمع‌آوری بسیاری از اصول معتبر حدیثی مشتمل بر فواید بسیار شده که کتب مشهور آن فواید را ندارد و در آن بر مدارک بسیاری از احکام که بیشتر علما به عدم وجود آن‌ها در آثار حدیثی اعتراف داشتند، دست یافته است، لذا تمام کوشش خود را در ترویج، تصحیح و مرتب نمودن آن آثار به کار گرفته است. وی با ابراز نگرانی خویش از احتمال کنار نهاده شدن، فراموش گشتن و پراکندگی آثار حدیثی مکتوب در آینده به دلیل فساد زمانه و انحراف اکثر انسان‌ها از مسیر هدایت، دوباره بر حفظ میراث حدیثی به وسیله تألیف بحار الانوار تأکید می‌کند.

این مطلب که شواهد دیگری از جمله قصد علامه مجلسی بر عدم نقل حدیث از کتب اربعه و صحیفه سجادیه به دلیل مشهور و متداول بودن این کتب میان شیعیان،^{٤٣} و تذکره به غریب و کمیاب بودن برخی از مضامین کتب و یا احادیث آن^{٤٤} دارد، از ثمرات مهم تألیف

٤٢. همان، ج ١، ص ٣-٤.

٤٣. رک: همان، ج ١، ص ٤٨ و ج ٩٢، ص ٤٥٢. منظور آن است که آثاری معروف و در دسترس همه، کمتر احتمال دارد دست خوش فراموشی و نابودی گردد. علاوه بر آن، دلیل دیگر استفاده کمتر از کتب اربعه و صحیفه سجادیه این بوده که علامه قصد داشته تألیف بحار سبب مهجور شدن آن کتب نگردد.

٤٤. برای نمونه علامه مجلسی آثاری مانند الاختصاص منسوب به شیخ مفید، مشکاة الانوار علی بن حسن بن فضل طبرسی را دارای اخباری غریب توصیف می‌کند (همان، ج ١، ص ٢٧ و ٢٨).

بحار الانوار است.

برای نمونه آقابزرگ تهرانی اشاره دارد که اکثر مآخذ بحار الانوار از کتب مورد اعتماد و اصول معتبر است که کمیاب است و برای هر کس یافتن آن آسان نیست، حتی شیخ ما علامه نوری با این که خدا برای او کتابخانه نفیسی میسر نموده بود، حتی با امانت گرفتن، موفق نشد به تعدادی از مآخذ آن دست یابد و در تألیف مستدرکش بروسائل در نقل از آن کتب به نقل با واسطه کتاب بحار نیازمند شد؛ همان طور که خودش در اول خاتمه مستدرک تصریح نموده است. پس برای ما این امکان هست که بگوییم بیشتر مصنفات متأخران پس از علامه مجلسی، از آن دریاها آب گرفته و سیراب شده‌اند.^{۴۵}

۳-۲-۳. انگیزه‌ها و اولویت‌های دیگر در تألیف بحار الانوار

بر اساس مقدمه بحار الانوار، پر واضح است که قصد علامه مجلسی از تألیف بحار الانوار فقط حفظ میراث و جمع‌آوری نبوده است، بلکه وی اولویت‌های دیگری نیز داشته است که مهم‌ترین آن‌ها تهیه مجموعه‌ای جامع، مرتب و منظم از جهت موضوعی برای دسترسی آسان طالبان علوم دینی به حدیث از یک سو و ترویج حدیث محوری در علوم دینی در برابر علوم عقلی، فلسفه و تصوف از سوی دیگر است.

بی‌درنگ، توصیفات علامه مجلسی از جامع حدیثی‌اش در مقدمه بحار الانوار از جمله: کتاب نیک و بی‌نظیر، دوست دلسوز، دارای شأن رفیع و شیرینی کلام، مشتمل بر انواع علم و حکمت، بی‌نیاز از سایر کتب و دریای دربرگیرنده گوهرهای اخبار و نیز دعوت وی از برادران دینی‌اش - که ادعای ولایت آل محمد علیهم‌السلام را دارند - برای شتاب در بهره‌بری از این سفره نعمت و تمسک به آن با اطمینان، نشان از اعتقاد قوی علامه مجلسی به پرفایده بودن کتابش، اخبارگرایی وی و از جهتی اعتبار کلی آن نزد او است.

مطالب یاد شده از علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار با این ناسازگار است که وی در بحار الانوار مطالبی را نقل کند که خودش آن‌ها را جعلی بداند و یا احتمال دهد جعلی باشد و

۴۵. الذریعه، ج ۳، ص ۲۶. نگارنده با دقت در مقاله «تاریخ حدیث شیعه در سده‌های چهارم و پنجم» تألیف مهدی احمدی، اسامی ۶۱ کتاب از کتب حدیثی شیعه در قرن‌های چهارم و پنجم را که تا قرن دهم موجود بوده است و به دست ما نرسیده، استخراج نموده است که بیست مورد از آن‌ها در زمان صفویه نیز وجود داشته است، ولی الآن موجود نیست (تاریخ حدیث شیعه در سده‌های سوم تا هفتم، ص ۵۳-۱۶۳). به گمان، از برخی از این منابع در بحار الانوار استفاده شده است. از این رو حفظ میراث مکتوب حدیثی شیعه در سایه تألیف بحار الانوار، نشانی از توفیق الهی علامه مجلسی، درک و فهم بالا و تصمیم به موقع این دانشمند شیعه است.

اگر به فرض محال چنین کاری کرده باشد، به دروغ‌گویی وانجام گناهی بزرگ متهم می‌شود. بی‌شک این کار از فرد عادی قبیح است؛ چه برسد به علامه محمدباقر مجلسی. در نتیجه نقل احادیث مورد اعتماد وی در بحار الانوار ضرورت می‌یابد. از این رو، یا باید شواهد موجود را نادیده گرفت و یا نظرات گروهی که گزینش اخبار را در جمع‌آوری بحار الانوار از علامه مجلسی منتفی می‌کنند نادرست خواند.

البته این مطلب به معنای نفی احادیث ضعیف از بحار الانوار از دیدگاه علامه مجلسی نیست و چنان که خواهد آمد، وی در موارد اندکی به ضعف احادیث و یا منابع اشاره کرده است و از دیدگاه وی میزان اعتبار منابع و احادیث بحار الانوار دارای نظام رتبه‌بندی است.

۳-۲-۴. پذیرش احادیث در بیان‌ها

علامه مجلسی برای فهم مقصود و بیان دلالت حدیث می‌کوشد و در مواردی که به نتیجه خوبی نرسد، علمش را به اهل بیت واگذار می‌کند. وی توضیحات خود را در مورد روایات و مطالب مطرح شده در بحار الانوار با عناوین گوناگون ذکر کرده است. وی شرح‌های خویش را در ذیل عناوین متعددی مانند: «بیان» (۸۸۷۱ مورد)، «اقول» (۴۶۵۹ مورد)، «توضیح» (۶۱۹ مورد)، «ایضاح» (۳۱۶ مورد)، «تبیین» (۱۸۵ مورد)، «تفسیر» (۱۶۶ مورد)، «تبیان» (۷۷ مورد)، «تذنیب» (۴۴ مورد)، «تذییل» (۳۹ مورد)، «تحقیق» (۳۶ مورد)، «تتمیم» (۳۵ مورد)، «تفصیل» (۲۷ مورد)، «تنقیح» (۱۶ مورد)، «تأیید» (۱۵ مورد)، «فذلکة» (۱۲ مورد)، «شرح» (۹ مورد)، «تنویر» (۵ مورد)، «فائدة» یا «فوائد» (۵ مورد)، «توجیه» (۲ مورد)، «رفع اشکال و تبیین اجمال» (۱ مورد)، «تفضیح» (۱ مورد) ذکر کرده است. البته واژه‌های یاد شده را گاهی مستقل و گاهی همراه با واژه‌های دیگر و یا ذیل توضیحاتی که با سایر عناوین آغاز نموده، به کار برده است. بی‌تردید این توضیحات وی - که بخشی از آن ذیل ۱۵۱۴۰ عنوان یاد شده، آمده است - نشان می‌دهد وی برای هریک از روایات درجه‌ای از صحت قایل است؛ در غیر این صورت، تبیین مباحث فقه الحدیثی حدیث دلیلی ندارد. از سوی دیگر، کوشش وی برای بیان معنا و مقصود حدیث و تصحیح احادیث بر اساس بهترین نسخه‌ها با اعتقاد وی به بی‌اساس بودن اصل حدیث ناسازگار می‌نمایند.

شاگرد علامه مجلسی، ملاذوالفقار اصفهانی، اشاره کرده است که ۱۵ مجلد از ۲۵ مجلدات بحار الانوار دارای شرح و تفسیر مطالب از سوی علامه است و روایات سایر مجلدات، یعنی ده مجلد (مجلدات ۱۱۴ الی ۱۷ و ۱۹ الی ۲۱ و ۲۳ الی ۲۵) شرح و نیز منتشر

نگاشته است.^{۴۶} البته براساس شواهد موجود، مجلدات ۱۴ و ۱۶ و ۲۳ نیز - که پس از این در زمان حیات علامه پاکنویس و منتشر شده - از شروح وی برخوردارگشته اند؛^{۴۷} یعنی در هفت مجلد از بحار الانوار (کمتر از ثلث آن) شرح‌های علامه مجلسی بسیار کمتر مشاهده می‌شود.

۳-۲-۵. توثیق منابع و تبیین کم اعتباری اندکی از مصادر

علامه مجلسی در فصل اول مقدمه بحار الانوار به بیان منابع آن و مؤلفان آن پرداخته و سپس در فصل دوم با عنوان «الفصل الثانی فی بیان الوثوق علی الكتب المذكورة واختلافها فی ذلك» به بیان دلایل وثاقت منابع بحار الانوار و اختلاف درجات آن براساس قراین کتاب‌شناسه خویش پرداخته است.^{۴۸} و از این رهگذر برگزینش منابع بحار الانوار توسط خویش دلالت نموده است.

وی از ۳۸۷ منبع شیعی در مقدمه بحار الانوار یاد کرده، ولی از آن تعداد فقط هیجده مورد را مانند مشارق الانوار بررسی، مصباح الشریعه و دعائم الاسلام به دلایلی از جمله نقل اخبار شبهه‌ناک و غالیانه، خلط منابع روایی عامه و خاصه، ناسازگاری عبارات با روایات اصیل و صحیح ائمه علیهم‌السلام، مجهول المؤلف بودن مصادر و کم توجهی به اصل روایات، کم اعتبار می‌داند. از هیجده منبع یاد شده - که کمتر از پنج درصد منابع حدیثی شیعی بحار الانوار را تشکیل می‌دهد - از کتاب‌های «الالفین»، «نثر الالسی» و «النبذة» حدیثی در بحار الانوار نقل نشده و از پانزده مورد دیگر، کمتر از هزار حدیث نقل شده است که کمتر از دو درصد احادیث بحار الانوار را تشکیل می‌دهد.^{۴۹}

از سوی دیگر براساس پژوهش نگارندگان علامه مجلسی، به ویژه در مباحث اعتقادی و فقهی از منابع اصیل و با اعتبار بیشتر بهره برده است.^{۵۰} علامه مجلسی یکی از دلایل عدم ذکر

۴۶. بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۷۸.

۴۷. آشنایی با بحار الانوار، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۴۸. بحار الانوار، ج ۱، ص ۶-۴۶. برای اطلاع از قراین کتاب‌شناسانه علامه مجلسی در تألیف بحار الانوار، ر.ک: دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۱۸، «مبانی اعتبار سنجی روایات بحار الانوار نزد علامه مجلسی»، ص ۱۵۳-۱۵۹.

۴۹. ر.ک: فصلنامه علوم حدیث، شماره ۸۰، «مبنای متن محورانه علامه مجلسی در انتخاب مصادر و احادیث بحار الانوار با تأکید بر احادیث ناظر بر امامت»، ص ۱۱۱-۱۱۳.

۵۰. براساس پژوهش نگارنده در مجلد هفتم بحار الانوار (جلدهای ۲۳-۲۷ مجموعه ۱۱۰ جلدی) بیش از ۷۳ درصد احادیث از منابع اصیل و معتبر قبل از شیخ طوسی و یا هم‌زمان با اوست (ر.ک: «مبنای متن محورانه علامه مجلسی در انتخاب مصادر و روایات بحار الانوار با تأکید بر احادیث ناظر بر امامت»، علوم حدیث، شماره ۸۰، ص ۱۲۰) و در مجلد چهاردهم، السماء و العالم نیز بیش از ۷۱ درصد احادیث از منابع دوره متقدمان است.

رمز برای برخی منابع را نداشتن اعتماد کامل بر آن منبع می‌داند.^{۵۱} و بیشتر احادیث بحار الانوار را از منابعی آورده است که علامت اختصاری دارد و بر آن‌ها اعتماد داشته است.

۳-۲-۶. تبیین بی‌اعتباری اندکی از احادیث

نگارنده با مرورری بر توضیحات علامه مجلسی درباره احادیث و مطالب بحار الانوار (۱۵۱۴۰ مورد)، اذعان وی را به ضعف حدیث یا بی‌اعتمادی خویش بر آن فقط برای سی حدیث مشاهده نمود. البته از این موارد در هفت جا در صحت حدیث تردید کرده و علم آن را به اهل بیت علیهم‌السلام برگردانده است. بنابراین وی تقریباً در کمتر از دو درصد مواردی که بر احادیث و مطالب شرح داشته است، به بی‌اعتباری آن‌ها اشاره کرده است که نشان‌گر اعتماد کلی وی به احادیث جامع خویش است.

از مطالب علامه مجلسی ذیل این احادیث روشن می‌شود علامه به دلایلی از جمله نقل حدیث از طریق اهل تسنن و یا موافقت آن با احادیث عامه،^{۵۲} بی‌اعتمادی برسند آن،^{۵۳} نقل نشدن آن از اصل معتبر،^{۵۴} غرابت متن آن،^{۵۵} مخالفت مضمون آن با سیره اهل بیت علیهم‌السلام و سایر اخبار مشهور معتبر،^{۵۶} عدم سازگاری با اسلوب کلام معصومان علیهم‌السلام^{۵۷} بر آن احادیث اعتمادی ندارد و یا در اعتبارش تردید می‌کند.

با این حال، علامه مجلسی بیان می‌کند که احادیث یاد شده را به دلایلی از جمله موافقت برخی مضامین آن با احادیث معتبر و یا اشتغال بر مطالبی که با سایر اخبار منافاتی ندارد،^{۵۸} استفاده از مضامین آن برای شرح، تفصیل و رفع ابهام برخی موارد تاریخی،^{۵۹} وجود غرایبی در آن که با عقل ناسازگار نیست،^{۶۰} وجود حدیث در تألیفات اصحاب امامیه و یا روایت شدن از امامان شیعه علیهم‌السلام،^{۶۱} و اعتماد بر مؤلف کتاب^{۶۲} در جامع خویش آورده است.

۵۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۸.

۵۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۷۸؛ ج ۱۵، ص ۳۵۷؛ ج ۵۴، ص ۳۳۰؛ ج ۸۹، ص ۲۱۹-۲۲۰.

۵۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ ج ۱۶، ص ۷۷؛ ج ۵۶، ص ۱۰۱-۱۰۹.

۵۴. همان، ج ۵۴، ص ۳۴۱.

۵۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ ج ۵۴، ص ۳۴۱.

۵۶. همان، ج ۲۹، ص ۶۴؛ ج ۵۴، ص ۱۰۴.

۵۷. همان، ج ۹۵، ص ۲۲۷-۲۲۸.

۵۸. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ ج ۱۶، ص ۷۷؛ ج ۲۹، ص ۴۶.

۵۹. همان، ج ۱۲، ص ۳۷۲؛ ج ۱۵، ص ۴۱۴.

۶۰. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۷.

۶۱. همان، ج ۱۵، ص ۳۵۷؛ ج ۵۶، ص ۱۰۹.

بر اساس قراین یاد شده، علامه مجلسی یک دلیل مهم را برای انتخاب و نقل احادیثی با صحت کم‌تر و یا ضعیف و حتی از منابع اهل تسنن را تطابق مضمون تمام یا قسمتی از حدیث با روایات معتبر شیعه ذکر کرده است. این مطلب نشان‌گر محتوانگری علامه مجلسی و اولویت دادن قراین متنی بر قراین سندی در بیشتر موضوعات است تا از سوی خانواده احادیث تکمیل‌تر گردد و شواهد بیشتری برای وحدت مضامین ارائه گردد و از سوی دیگر، میراث حدیثی و متون روایی بیشتری برای بررسی حدیث پژوهان در آینده در دسترس قرار گیرد.

۲-۷. تبیین اعتبار سنجی برخی احادیث

بیشتر بیان‌های علامه مجلسی ذیل احادیث توضیحات فقه الحدیثی است و در مورد معنا و مفهوم حدیث است. با این حال، برخی بیان‌های وی نیز در مباحث علم الحدیثی است و در مورد صحت خبر و درجات اعتبار آن نظر داده است، و از این رهگذر نشان داده که تألیف بحار الانوار فقط جمع‌آوری احادیث نبوده است؛ برای نمونه وی ذیل حدیث چهارصد مطلب امیر المؤمنین علیه السلام برای دین و دنیای مسلمان می‌نویسد:

ثم اعلم أن أصل هذا الخبر في غاية الوثاقة والاعتبار على طريقة القدماء وإن لم يكن صحيحاً بزعم المتأخرين واعتمد عليه الكليني - رحمه الله - وذكر أكثر أجزاءه متفرقة في أبواب الكافي وكذا غيره من أكابر المحدثين...^{۶۳}

در مورد یاد شده وی به طور ضمنی تبعیت خویش را از شیوه قدمای محدث در اعتبار سنجی روایات نشان می‌دهد.

مثال دیگر: علامه مجلسی قصه جرجیس نبی را از طریق اهل تسنن، از عکرمه، از ابن عباس و از کتاب شیعی نقل می‌کند، ولی در پایان می‌نویسد:

أقول: هذه القصة المذكورة في التواريخ أطول من ذلك تركنا إيراداتها لعدم الاعتماد على سندها.^{۶۴}

این‌ها شواهدی است متقن که علامه مجلسی احادیث راگزینش می‌کرده است؛ زیرا می‌فرماید قصه جرجیس در کتب تاریخی طولانی‌تر از این آمده، ولی چون بر سندش اعتماد

۶۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ ج ۱۶، ص ۷۷.

۶۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۱۷.

۶۴. همان، ج ۱۴، ص ۴۴۵ -

نداشتم، آن را در کتاب نیاوردم. به دلیل رعایت اختصار بر همین دو نمونه اکتفا می‌شود.^{۶۵}

۳-۳-۸. دیگر شواهد

دلایل ارائه شده توسط مخالفان نظر مشهور، صحت دیدگاه آن‌ها را نشان می‌دهد که علاوه بر موارد یاد شده، مواردی مثل این که علامه مجلسی، در رفع تعارض احادیث کوشیده است و بسیاری از این احادیث را در کتب فارسی خود هم آورده، از این جمله است. روشن است که رفع تعارض در صورتی صحیح است که هر دو حدیث متعارض معتبر دانسته شود و بی‌تردید، وی در کتب فارسی‌اش از خوانندگانی که بیشتر طبقه عموم مردم هستند، انتظار ندارد قبل از استفاده از احادیث به بررسی صحت و سقم آن‌ها بپردازند، بلکه آن کتب را برای راهنمایی مردم عام نوشته است.

۳-۲-۹. مبانی اعتبار سنجی روایات بحار الانوار نزد علامه مجلسی

علامه مجلسی با این که به روش متأخران در ارزیابی سندی احادیث توجه داشته و آن را در *مرآة العقول* و *ملاذ الأخیار* به کار برده است، ولی مخالفت خویش را با عباراتی مثل «ضعیف علی المشهور» و «صحیح عندی» در برخی موارد بیان کرده است و بررسی سندی را در احادیث فقهی و رفع تعارض روایات مهم ترمی دانسته است.^{۶۶} از این رو، تعریف وی از حدیث حدیث صحیح و حدیث ضعیف به شیوه متأخران سندمحورانه نیست.^{۶۷}

بر اساس پژوهش نگارندگان می‌توان مبانی اعتبارسنجی مصادر و روایات را نزد علامه مجلسی را به ترتیب اهمیت چهار مورد ذیل دانست:

الف) اعتماد بر اصول و کتب معتبر حدیثی بر اساس قراین کتاب شناسانه؛

ب) اولویت دادن قراین متنی بر قراین سندی در اعتبارسنجی روایات؛

ج) قاعده تسامح در ادله سنن با قید شیعی بودن روایات آن؛

۶۵. برای اطلاع بر برخی نمونه‌های دیگر رک: *بحار الانوار*، ج ۸، ص ۲۹۶؛ ج ۱۱، ص ۲۷۸؛ ج ۱۶، ص ۲۹۹؛ ج ۲۶، ص ۱۷؛ ج ۴۳، ص ۱۷۴؛ ج ۴۵، ص ۲۹۴؛ ج ۵۵، ص ۳۳۵؛ ج ۷۱، ص ۴۵؛ ج ۸۳، ص ۳۲۲ و ۳۳۹؛ ج ۹۲، ص ۲۵۲؛ ج ۹۹، ص ۲۰۹.

۶۶. برای نمونه رک: *مرآة العقول*، ج ۱، ص ۲۲، ۳۶ و ۸۰؛ *ملاذ الأخیار*، ج ۱، ص ۲۱ و ۱۳۶؛ *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۴۸.

۶۷. بر اساس سخنان صاحب معالم و شیخ بهایی، از بین رفتن بیشتر قراینی که قدمای محدث را بر صحت احادیث دلالت می‌کرد، سبب شد که علامه حلی با پذیرش تقسیم چهارگانه احادیث به صحیح، حسن، مؤثق و ضعیف، شیوه ارزیابی احادیث را سندمحور قرار دهد. پس از علامه حلی تاکنون همواره از این روش در میان فقها و محدثان استفاده می‌شده است (*منتقى الجمعان*، ج ۱، ص ۳؛ *مشرق الشمسین*، ص ۳۰-۳۵؛ *حدیث ضعیف*، ص ۲۷۹ اقتباس).

د) تحفظ بر متن احادیث و پرهیز از تأویل، مگر به ضرورت بر اساس اصل احتیاط.^{۶۸} توضیح، این که وی بر اساس مبانی اعتبارسنجی خویش در ارزیابی روایات، یعنی توجه به شواهد متن محورانه و قراین کتاب شناسانه، حدیث ضعیف را به پیروی از سیره محدثان متقدم حدیثی می داند که از جهت متن و محتوا قراین متنی کافی برای صحت آن موجود نباشد؛ مثلاً دارای غرابت و مخالفت با احادیث معتبر باشد و یا از جهت منبع و قراین کتاب شناسانه، دارای اشکالی باشد؛ مثلاً مجهول المؤلف و یا هر دو اشکال از جهت متن و منبع حدیث در آن وجود داشته باشد.^{۶۹} بر این اساس، علامه مجلسی برخی از منابع بحار الانوار، مانند مشارق الانوار برسی و مصباح الشریعه را کم اعتبار دانست و عدم اعتماد خود را بر آن اعلام نمود، ولی در موارد معدودی برخی احادیث آن ها را با توجه به مطابقت مضمون آن با سایر احادیث صحیح و یا بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن و نیز برای تأیید و تأکید سایر مطالب و تکمیل خانواده حدیثی آورده است. همچنین اصل تحفظ بر متن حدیثی و رعایت اصل احتیاط در ارزیابی علامه مجلسی از احادیث سبب می شود چنانچه شواهد و دلایل نزد وی برای معتبر ندانستن حدیث کافی نباشد، در مورد حکم به صحت آن توقف می کند و علم آن را به اهل بیت علیهم السلام واگذار می کند. همچنین وی همچون محدثان متقدم بر اساس نظام قراین، احادیث را از جهت اعتبار رتبه بندی می کند و برای اعتبار آن ها شدت و ضعف قایل است.

با توجه به مبانی اعتبارسنجی روایات نزد علامه مجلسی سزااست بگوییم اکثر روایات بحار الانوار نزد او معتبر است؛ زیرا وی بر اساس مبنای کتاب محورانه خویش، بیشتر مصادر بحار الانوار را از اصول و کتب معتبر حدیث شیعیه می داند و لذا به تبع منبع، بر احادیث آن هم اعتماد دارد و از منابع کم اعتبارتر احادیث کمتری در بحار الانوار نقل کرده است و نیز بر مبنای اولویت متن محوری بر سند محوری، کتب و احادیثی که سندشان ضعیف و مثلاً وجاده ای است، ولی هم مضمون و موافق با احادیث صحیح هستند، رد نمی کند و از برخی متون حدیثی اهل تسنن و یا افراد مجهول برای تأیید مطالب سایر احادیث بهره می برد و بر مبنای قاعده تسامح در ادله سنن - والبتة با قید شیعیه بودن روایات آن - نسبت به آداب، مستحبات، ادعیه، زیارات و قصص از منابع کم اعتبارتر هم بهره می برد، و بر اساس قاعده

۶۸. رک: مجله حدیث پژوهی، شماره ۱۸، «مبانی اعتبارسنجی روایات بحار الانوار نزد علامه مجلسی»، ص ۱۴۳-۱۶۴.

۶۹. برای نمونه رک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰، ۳۲ و ۴۰-۴۴؛ ج ۱۴، ص ۲۰۳؛ ج ۲۹، ص ۴۶؛ ج ۵۴، ص ۳۴۱؛ ج ۵۶، ص ۱۰۹.

تحفظ بر متن احادیث از توجیه و تأویل بی دلیل روایات و در نتیجه مردود نمودن آن‌ها اجتناب می‌کند.^{۷۰}

نتیجه‌گیری

با توجه به مقدمات یاد شده روشن می‌شود علامه مجلسی در تألیف بحار الانوار از سویی بر آن بوده است میراث مکتوب حدیثی شیعه را حفظ کند و از سوی دیگر، بر اساس مشی اخبارگرایی خود و مبانی اعتبارسنجی روایات به شیوه متقدمان تلاش کرده، روایات معتبر را از منابع موثق با نظام خاصی در موضوعات گوناگون برای استفاده حدیث پژوهان تألیف و فراهم نماید و با شرح و توضیحات عالمانه خویش بر ارزش اثر خویش بیافزاید. از آن جا که مبنا و روش وی در اعتبارسنجی روایات برگرفته از همان نظام قراین صحت حدیث و روش متن محورانه قدمای محدث است، نمی‌توان نسبت به صحت و ضعف احادیث بحار الانوار با مبنای دیگر داوری نمود و آن را به علامه مجلسی نسبت داد.

بر اساس مقدمه بحار الانوار و قراین پیش گفته سخن کسانی که قایل به اعتبار کلی احادیث بحار الانوار نزد علامه مجلسی جز در موارد تصریح شده به ضعف حدیث هستند، درست‌تر می‌نمایند؛ چون در هیچ‌جده مجلد که شرح وی ذیل احادیث موجود است، فقط در موارد اندکی (حدود سی مورد) به بی‌اعتباری حدیث اشاره کرده است، می‌توان حدس زد در سایر مجلدات هم اگر او مهلت شرح احادیث را می‌یافت بر همان منوال، احادیث اندکی را ضعیف می‌شمرد.

همچنین با توجه به این که اکثر مواردی که علامه مجلسی از روایات و یا منابع کم‌اعتبارتر در تألیف بحار الانوار بهره جسته در موضوع قصص پیامبران، تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، مناقب و فضایل آنان، و یا از مجلد «السماء و العالم» بوده است، روشن می‌شود روش علامه در تألیف بحار الانوار و اعتبارسنجی وی از روایات آن در تمام مجلدات یکسان نیست. در این مجلدات انگیزه حفظ میراث حدیثی بیشتر جلوه می‌کند.

مطالب یاد شده به این معنا نیست که در بحار الانوار حدیث ضعیف به ندرت یافت می‌شود، بلکه بیان‌گر وجود اندک احادیث ضعیف از دیدگاه علامه مجلسی بر اساس دیدگاه‌های حدیث محورانه وی و تبعیت او از سیره محدثان متقدم در اعتبارسنجی روایات

۷۰. رک:، مجله حدیث پژوهی، شماره ۱۸، «مبانی اعتبارسنجی روایات بحار الانوار نزد علامه مجلسی»، ص ۱۴۳-۱۶۴.

است.

کتابنامه

- آشنایی با بحار الانوار، احمد عابدی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۷۸ ش.
- اسرار هزار ساله، علی اکبر حکمی زاده، تهران: دفتر پرچم چاپخانه پیمان، ۱۳۲۲ ش.
- اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، بیروت: دارالتعارف، پنجم، ۱۴۲۰ ق.
- اوراق پراکنده یا فرائد و فوائد گوناگون، کیوان سمیعی، تهران: کتابفروشی زوار، اول، ۱۳۶۶ ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- بحران آگاهی و تکوین روشنفکری در ایران، حسین آبادیان، تهران: انتشارات کویر، اول، ۱۳۸۸ ش.
- تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم، مهدی احمدی و محمد کاظم رحمتی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۳۸۹ ش.
- تاریخ حدیث، سیدرضا مؤدب، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ش.
- تاریخ حدیث، کاظم مدیرشانه چی، تهران: انتشارات سمت، هفتم، ۱۳۸۸ ش.
- تشیع علوی و تشیع صفوی، علی شریعتی، مشهد: سپیده باوران، دوم، ۱۳۹۳ ش.
- جرعه ای از دریا، سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۰ ش.
- جوامع حدیثی شیعه، هادی حجت، تهران: انتشارات سمت و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۶ ش.
- حدیث ضعیف، امین حسین پوری، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
- خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، تهران: انتشارات صدرا، دوازدهم، ۱۳۶۲ ش.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، محمد محسن آقا بزرگ الطهرانی بیروت: دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۳ ق.
- زمانه وزندگی امام خمینی، محسن بهشتی سرشت، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، اول، ۱۳۹۱ ش.
- سیربی سلوک، بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات ناهید، سوم، ۱۳۷۶ ش.

- سیرتفکر معاصر، محمد مددپور، تهران: انتشارات سوره مهر پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، دوم، ۱۳۸۶ ش.
- علامه مجلسی وفهم حدیث، عبدالهادی فقهی زاده، قم: بوستان کتاب، دوم، ۱۳۹۳ ش.
- علامه مجلسی، حسن طارمی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
- علم الحدیث، کاظم مدیرشانه چی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، نوزدهم، ۱۳۸۵ ش.
- کارنامه علامه مجلسی، علی اصغر عطائی خراسانی، مشهد: انتشارات کتابفروشی اسلامی، بی تا.
- کشف اسرار، سید روح اله خمینی (امام)، قم: انتشارات آزادی، بی تا.
- الکلام یجر الکلام، سید احمد زنجانی، قم: چاپخانه حکمت، بی تا.
- مبانی وروش های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه، داوود معماری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
- مرآة الکتب، علی بن موسی شفیع تبریزی، تحقیق محمد علی حائری، قم: مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- مشرعة بحار الانوار، محمد آصف محسنی، قم: مکتبه عزیزی، اول، ۱۴۲۳ ق.
- مشرق الشمسین واکسیر السعادتین، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، مشهد: کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ بهایی و بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، دوم، ۱۴۲۹ ق.
- مشروطه ایرانی، ماشاء اله آجودانی، تهران: نشر اختران، چهارم، ۱۳۸۳ ش.
- المعتبر من بحار الانوار (وفقا للنظریات آیه الله الشیخ آصف محسنی دام ظلّه)، حیدر حب الله، تهیه و تنظیم عمار فهداوی، بیروت: دار المحجة البيضاء، الطبعة الاولى، ۱۴۳۷ ق.
- مقدمه المعجم المفهرس لألفاظ احادیث بحار الانوار، محمد علی مهدوی راد و احمد عابدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمد باقر مجلسی، قم: کتابخانه آیه اله مرعشی، ۱۴۰۶ ق.
- ملامحمد باقر مجلسی زندگی زمانه نگاهها نقدها، سید علی محمد رفیعی، تهران: انتشارات قدیانی، اول، ۱۳۸۱ ش.

- منتخب الآثار من بحار الانوار، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: دارالنشر امام علی بن ابی طالب علیه السلام، اول، ۱۴۳۴ ق.
- منتقى الجمال فی احادیث الصحیح والحسان، حسن بن زین الدین عاملی، قم: مکتبه اهل البيت علیهم السلام، اول، ۱۳۶۲ ش.
- مهدي موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الانوار)، علی دوانی، تهران: نشر اسلامی، چاپ ۲۸، ۱۳۷۸ ش.
- نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب، عبدالهادی حائری، تهران: انتشارات امیرکبیر، پنجم، ۱۳۸۷ ش.
- «بحار الانوار از زاویه نگاه دایره المعارفی»، رسول جعفریان، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، فصلنامه مشکوة، شماره ۸۰، ۱۳۸۸ ش.
- «ترجمه العلامه المجلسی»، جعفر سبحانی، یادنامه علامه مجلسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- «تصحیح و نشر مآخذ بحار الانوار»، رضا مختاری، شناخت نامه علامه مجلسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- «شرح حال علامه مجلسی»، علی دوانی، شناخت نامه علامه مجلسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- «گفت وگوبا آیت الله جعفر سبحانی»، یادنامه علامه مجلسی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- «گفت وگوبا سید جعفر شهیدی»، یادنامه مجلسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۷۹ ش.
- «لماذا الف المجلسی بحار الانوار»، جعفر مهاجر، یادنامه علامه مجلسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- «مبانی اعتبار سنجی روایات بحار الانوار نزد علامه مجلسی»، محسن قاسم پور و ابوطالب مختاری، کاشان: دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۸۰، ۱۳۹۶ ش.
- «مبنای متن محورانه علامه مجلسی در انتخاب مصادر و روایات بحار الانوار با تأکید بر احادیث ناظر بر امامت»، محسن قاسم پور و ابوطالب مختاری، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۸۰، ۱۳۹۵.
- «مدخل بحار الانوار»، حسن طارمی، زیر نظر سید مصطفی میرسلیم و غلامعلی

حداد عادل، تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامي، ۱۳۷۵ ش.